

تبیین شاخصه‌های شکل‌گیری حکومت اسلامی با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری

دکتر علی اصغر رجبی^۱

دکتر هادی بیاتی^۲

چکیده

درباره شاخصه‌های شکل‌گیری حکومت اسلامی بحث‌های نظری مختلفی صورت گرفته و برخی از اقدامات برای تحقق آن انجام یافته است، ولی در عمل هنوز از آن فاصله زیادی وجود دارد. در این میان مقام معظم رهبری با تلاش بی‌مانند خود، ضمن روشن‌گری چگونگی مشروعیت حکومت اسلامی و ثابت کردن این که حقیقت دین، جز با اجرای حکومت دینی غیرقابل نمود و ظهور است، شاخصه‌هایی برای شکل‌گیری حکومت اسلامی ارائه داده‌اند. بر این اساس، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری درصدد بررسی و تبیین چگونگی شکل‌گیری حکومت اسلامی از دیدگاه معظم له می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که با عنایت به وضعیت کنونی جوامع مسلمان که در حال طرح ریزی و شکل بخشیدن حکومت اسلامی هستند و با وجود حرکت رو به جلو تمدن اسلامی، همواره موانعی زمینه عدم شکل‌گیری حکومت اسلامی را فراهم می‌آورد. لذا مقام معظم رهبری زمینه‌های شکل‌گیری حکومت اسلامی را توجه به توحیدگرایی، ولایت محوری، ایستادگی و مقاومت، وجود رهبری، تولید فکر و اعتلای اقتصادی می‌داند.

واژگان کلیدی: حکومت اسلامی، مقام معظم رهبری، تمدن نوین اسلامی، شاخصه‌ها.

^۱ . استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه خوارزمی تهران. Aliasgharrajabi52@khu.ac.ir

^۲ . استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول). h.bayati@umz.ac.ir

حیات، حقیقت مجهول الکنهی است که دو خاصیت دارد: آگاهی، جنبش و توانایی. انسان به هر نسبت که آگاهی بیشتری دارد، از حیات بیشتری برخوردار است و به هر نسبت که تحرک بیشتری دارد، حیاتش افزون‌تر است و اگر مسأله به عکس شد، نتیجه نیز برعکس خواهد بود. مسلمانان زمانی می‌توانستند حیات داشته باشند و به فرموده قرآن در زمهری «لینذر من کان حیا...»^۳ قرار گیرند که آگاهی عمیق‌تری به اسلام داشته و سعی وافر در تحقق آرمان‌ها و آموزه‌های آن داشته باشند، تنها در این صورت است که حیات دوباره نصیب مسلمانان خواهد شد. ولی اگر تنها از تمدن و فرهنگ اروپایی انتقاد و از فرهنگ و تمدن اسلامی تمجید کنیم و گمان بریم که فرهنگ اسلامی و روح اسلام همان است که ما امروز داریم، راه به جایی نخواهیم برد و نمی‌توانیم دوباره تمدن اسلامی را احیا کنیم. (یوسفی غروی، ۱۳۹۳: ۴۲۱)

«چه باید کرد؟» پرسش اساسی است که بسیاری از اندیشمندان و علاقمندان به اسلام کوشیده‌اند برایش پاسخ مناسبی بیابند. میرزای شیرازی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی، علی عبدالرزاق، مصطفی کامل، حسن الترابی، سیدقطب، علامه طباطبایی، امام خمینی (ره)، مرتضی مطهری و... همه تلاش کرده‌اند که از زوایایی مسأله را کالبدشکافی کنند. بی‌شک تحلیل و بررسی تمام ابعاد این موضوع کار دشواری است. ولی در عین حال، کوشش می‌شود طبق راهکارهای مقام رهبری پاسخ مناسبی برای احیای تمدن اسلامی در منظر علاقمندان قرار داده شود.

با عنایت به وضعیت فعلی ملت‌های مسلمان و جوامع اسلامی که در حال طرح ریزی و شکل بخشیدن حکومت اسلامی هستند. با وجود حرکت رو به جلو تمدن اسلامی، همواره موانعی زمینه‌ی عدم شکل‌گیری حکومت اسلامی را فراهم می‌آورد. بر این اساس، در این پژوهش مقام رهبری برای برون رفت از این موانع، راهکارهایی را ارائه نموده‌اند که توجه به آنها موجب زمینه‌های شکل‌گیری حکومت اسلامی را فراهم می‌نماید. بنابراین، در این پژوهش به بررسی و تبیین شاخصه‌های اساسی شکل‌گیری حکومت اسلامی با تکیه بر بیانات مقامات معظم رهبری پرداخته می‌شود.

۳. یس / ۷۰: «تا هرکس زنده است (و حیات انسانی دارد) بیم دهد.»

مقام معظم رهبری و شاخصه‌های شکل‌گیری حکومت اسلامی

- توحید گرایی

اصل توحید؛ توجه به خدای یگانه، بنیان اساسی آیین اسلام، جامعه و تمدن اسلامی و منشأ احکام شریعت است. بر همین اساس، توحید محوری و گرایش به وحدت مبتنی بر توحید رکن و مبنا و به عنوان اساس و بنیان تمدن اسلامی شناخته شده است. امیر مؤمنان(ع) در خطبه اول نهج البلاغه توحید و خداشناسی را چنین توضیح می‌دهد: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ، وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ، وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ، وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ، وَ كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ، لِشَهَادَةِ كُلِّ صِفَةٍ أَنَّهَا غَيْرُ الْمَوْصُوفِ، وَ شَهَادَةُ كُلِّ مَوْصُوفٍ أَنَّهُ غَيْرُ الصِّفَةِ». (نهج البلاغه، خطبه اول)

«نخستین پایه دین شناخت او [خدا]ست، و کمال شناخت او راست دانستن (تصدیق) اوست، و کمال راست دانستن او یگانه دانستن اوست، و کمال یگانه دانستن او اخلاص برای اوست، و کمال اخلاص برای او نفی چگونگی (صفات) از اوست. زیرا هر صفتی گواه آن است، که غیر موصوف است و هر موصوفی گواه آن است که غیر صفت است».

رهبر معظم انقلاب، در تعریف توحید می‌فرماید: «توحید، یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه‌ی نظام‌های بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرت‌های شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرار داده و از او به کارگیری آن‌ها را همچون فریضه‌ی تخلف ناپذیر، طلب کرده است؛ یعنی دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست؛ یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده‌ی الهی، آدمی را تهدید می‌کند؛ یعنی مشکلات راه را به حساب خدا گذاشتن و خود را به پیروزی حتمی و نهایی امیدوار داشتن؛ یعنی در مبارزه، چشم به هدف عالی که نجات جامعه از هرگونه ستم و تبعیض و جهل و شرک است. دوختن و عوض ناکامی‌های شخصی و میان‌راهی را نزد خدا جستن؛ و خلاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت اهداف اعلی، با امید و بی‌تشویش شتافتن. در سایه‌ی چنین ایمان و درک روشن و عمیقی از توحید است. بدون فهم درست و پایبندی عقیدتی و عملی به توحید، هیچکدام از وعده‌های الهی عملی نخواهد شد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۳/۱۰)

در بررسی اندیشه متفکران مسلمان از فارابی گرفته تا مقام معظم رهبری رکن اصلی و اساسی تمدن اسلامی، «خدامحوری» و «توحیدگرایی» تلقی می‌شود. باور به توحید در هستی به گونه‌ی بی‌نگرش اندیشمندان تأثیر گذاشته است که در معرفت و دانش نیز به وحدت قائل هستند. اندیشه وحدت نه تنها مفروض قبلی علوم و فنون اسلامی است، بلکه بر نحوه‌ی بیان آنها نیز مسلط است. به طور کلی در همه‌ی زمینه‌ها، توحید؛ اساسی است که وحدت بخش تفکر اسلامی است. بنابراین نقش فردی و اجتماعی در ایجاد تمدن و حفظ و بقای آن این است که تمام حرکتها، ایده‌ها و گرایش‌ها و نگرش‌های انسان‌ها را در جهت مبدأ واحد و هدفی کامل که همان ایده‌های مطلق و برتر هستی است، سوق می‌دهد. انسان مؤمن با توجه به همه عالم هستی، خود را در ذیل پروردگار دانا و توانایی می‌داند که اداره جهان هستی را به عهده دارد.

مقام معظم رهبری نیز بر توجه به خدا و توحیدگرایی تأکید و در این زمینه فرموده‌اند: «این اقبالی که دل‌های شما به سوی خدا و معنویت و ذکر و خشوع و توجه و تضرع دارد، خیلی با ارزش است. این همان عامل است که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن قرن‌ها – لاقلاً در چند قرن از قرون اولیه – دنیا را اداره کرد و امروز هم دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی شد، و الا با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی، چنین تمدن ماندگاری به وجود نمی‌آمد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱)

بنابراین توکل به خدا و توسل به احکام الهی در دوره معاصر نیز می‌تواند گره از مشکلات مسلمانان بگشاید و موجب شکل‌گیری حکومت اسلامی‌باشد. بر این اساس مقام معظم رهبری بر این عامل تأکید ورزیده و بر این باورند: «این چه عاملی بود که توانست این طور اقتدار اسلام را پیش ببرد و بعد هم تمدن اسلام را پایه‌گذاری کند که این تمدن، تمدن اسلامی، حتی در دوران انحطاط قدرت سیاسی اسلام هم در اوج تألؤ و اقتدار باقی ماند؛ فرهنگ دنیا را تحت تأثیر قرار داد؛ علم را گسترش داد و فرهنگ اسلامی را رایج کرد؟ اینها تجربیات خیلی عجیبی در تاریخ است. عامل اینها چیست؟ یقیناً یکی از عناصری که عامل پیشرفت اسلام بود، اعتقاد به خدا و احکام الهی بود: "آمن الرسول بما انزل الیه من ربه و المومنون کل امن بالله و ملائکه و کتبه و رسله"؛^۴ خود پیامبر و مؤمنین صدر اول، از اعماق دل به پیام اسلام معتقد بودند و شعارهای اسلامی، حقایق اسلامی و کافی بودن اسلام

^۴ . بقره/ ۲۸۵: «پیامبر (خدا) بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است، ایمان آورده است و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند.

را برای نجات بشریت، حقیقتاً از بن دندان قبول داشتند. این ایمان عامل بسیار مهمی است». (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۷/۱۵)

معظم‌له در معنی «توحید» می‌فرماید: «توحید، فقط این نیست که بگوییم خدایی هست، آن هم یکی است و دو نیست. این، صورت توحید است. باطن توحید، اقیانوس بی‌کرانه‌یی است که اولیای خدا در آن غرق می‌شوند. توحید وادی بسیار با عظمتی است؛ اما در چنین وادی با عظمتی، باز از مؤمنین و مسلمین و موحدین خواسته‌اند که با تکیه به تفکر و تدبّر و تعقل، پیش بروند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱/۲۲)

- ایستادگی و مقاومت

استقامت^۵، یعنی راه را گم نکردن؛ فریب جلوه‌های مادی را نخوردن؛ اسیر هوی و هوس نشدن؛ دستورها و فرایض اخلاقی و معنوی و ادب اسلام را رها نکردن و به لذت‌طلبی و عشرت‌طلبی رو نیاوردن می‌باشد. باید بیان کرد که لازمه‌ی رسیدن به اهداف عالی اسلامی، استقامت و مقاومت در برابر ابرقدرتها و دفاع از مستضعفین و مظلومین در سطح عالم است. به طوری که می‌توان با استقامت و مقاومت پرچم تمدن اسلامی را در سراسر عالم برافراشته نگه داشت.

مقام معظم رهبری همواره بر مقاومت و ایستادگی تأکید نموده و می‌فرماید: «جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گرانقدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم ارواحناده، خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید». (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۵/۲۹)

امام خامنه‌یی در خصوص ایستادگی و لزوم عدم ترس به عنوان یک آفت می‌فرماید: «ایستادگی وسیله‌ی پیروزی است، منتها کسانی که مقاومت می‌کنند، باید از خطرات مقاومت نترسند. اگر ترسیدند در مقاومت‌شان اختلال پیدا خواهد شد و پیروزی به دست نخواهد آمد و این، آفت اغلب ملت‌ها و جماعات است، که وسط راه دچار ترس می‌شوند. اگر آن گروه، ملت و جماعتی که می‌خواهد مقاومت کند، از فقدان لداید زندگی، از فقدان حیات و از

^۵. فرهنگ لغت «استقامت» را «راست ایستادن، راست شدن، درست شدن، درستی، ایستادگی، پایداری، پافشاری ثبات، بها کردن و قیمت کردن» معنی کرده است. (معین، ۱۳۷۵: ۲۵۵/۱)

فقدان راحتی نترسد و ناراحت و آشفته نشود و پیش برود، بدون تردید مقاومت با پیروزی همراه است. این مقاومت وقتی با ایمان همراه باشد، ادامه پیدا خواهد کرد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۷/۲۱)

معظم‌له پیرامون شگردهای دشمن برای گمراه ساختن راه مبارزه بیان می‌دارند: «دشمن تهدید می‌کند و وعده می‌دهد، دائم عظمت خود را به رخ جامعه‌ی اسلامی و پیشرو می‌کشد، به زبان زور صحبت می‌کنند و احیاناً زبان زور را با برخی شیرینی‌های وعده‌های فریبنده درهم می‌آمیزد تا این که دل‌ها را گمراه کند. استقامت کردن در مقابل فریب‌ها و تهدیدهای دشمن، هنر بزرگی است که اگر یک ملت این هنر را داشته باشد، آن وقت به قله می‌رسد؛ به جایی که دیگر دشمن فایده‌ی در تهدید نمی‌بیند و مجبور است با او بسازد یا در مقابل او تسلیم شود». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۱/۶)

- ولایت محوری

ولایت در اصطلاح قرآنی^۶، یعنی به هم پیوستگی و هم‌جهگی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند، در یک راه دارند قدم برمی‌دارند، برای یک مقصود دارند تلاش و حرکت می‌کنند، یک فکر و یک عقیده را پذیرفته‌اند. هرچه بیشتر این جبهه باید افرادش به همدیگر متصل باشند و از جبهه‌های دیگر و از قطب‌های دیگر و قسمت‌های دیگر خودشان را جدا و کنار بگیرند؛ چرا برای این که از بین نروند، هضم نشوند، این را در قرآن می‌گویند ولایت». (ولایت و حکومت، ۱۳۹۴: ۵۵)

مقام معظم رهبری در تعریف «ولایت»^۷ می‌فرماید: «اصل معنای ولایت، عبارت از نزدیک بودن دو چیز با یکدیگر است. فرض بفرمایید وقتی که دو ریسمان، محکم به هم تابیده می‌شوند و جدا کردن آن‌ها از یکدیگر به آسانی ممکن نیست. آن را در عربی «ولایت» می‌گویند. ولایت، یعنی اتصال و ارتباط و قرب دو چیز به صورت مماس

^۶. ولایت و مشتقات آن، به معنای سرپرستی، از واژه‌های پراستعمال قرآن کریم است. به معنای مالکیت تدبیر و صاحب اختیار بودن. ولایت، گاهی اشاره به فعل خداست که در این صورت عین توحید، و یکی از اسماء و صفات خداوند است. این نوع ولایت که ولایت تکوینی و رابطه‌ی علی و معلولی بین خالق و مخلوق است، منحصر در خداست. از آن‌جا که ولایت خداوند ذاتی است، بنابراین ولایت برخی از پیامبران و ائمه معصومین(ع) به ظهور و تجلی ولایت خداست. ولایت گاهی نیز تشریحی، یعنی قراردادی و اعتباری است و به معنای قانون‌گذاری در جهان خلقت است. این ولایت نیز متعلق به جهان خلقت دانسته شده است.

ولایت، گاهی بر فعل انسان است که در این حالت، از سنخ ولایت تشریحی است. این نوع ولایت در فقه مورد بررسی قرار می‌گیرد و شامل ولایت نخبگان جامعه یا ولایت فقیه می‌شود.

^۷. فرهنگ لغت «ولایت» را «حکومت کردن، فرمانروایی و پادشاهی» و نیز «دوستداری»، «قربابت» و «خویشی» معرفی کرده است. (عمید، ۱۳۸۱: ۲/ ۱۹۵۵) و هم به معنی «حکومت کردن» و «تسلط داشتن» آمده است. (معین، ۱۳۷۵: ۵۰۵۴/۴)

و مستحکم با یکدیگر. همه‌ی معانی‌یی که برای ولایت در لغت ذکر شده است - معنای محبت، معنای قیومیت (سرپرستی) و بقیه‌ی معانی، که هفت - هشت معنا در زبان عربی هست - از این جهت است که در هر کدام از این‌ها، به نوعی این قرب و نزدیکی بین دو طرف ولایت وجود دارد. مثلاً ولایت به معنای محبت است؛ چون محب و محبوب، با یکدیگر یک ارتباط و اتصال معنوی دارند و جدا کردن‌شان از یکدیگر، امکان‌پذیر نیست. اسلام، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان می‌کند و شخصی را که در رأس حکومت قرار دارد، به عنوان والی، ولی، مولا - یعنی اشتقاق کلمه‌ی ولایت - معرفی می‌کند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۲/۶)

ولایت به معنای یک نظام ارزشی است که همراه با محبت و عاطفه نسبت به آحاد مردم بوده و تنها، فرمانروایی و حکمرانی تلقی نمی‌شود. (مقام معظم رهبری، خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۷)

این استقرار ولایت است که موجب تحقق دیگر مؤلفه‌های حکومت اسلامیاز جمله: عدالت، آزادی و عزت می‌گردد. ولایت در این مفهوم در مقابل سلطنت قرار می‌گیرد. سلطنت؛ حکومتی است که در آن شخص حاکم هیچ ملاکی را برای سنجیدن تصمیمات در نظر نمی‌گیرد و خود را ملزم به پاسخ‌گویی به سؤالات نمی‌داند. در این حکومت هیچ نظارتی خارج از فرد یا گروه حاکم برای سنجش تصمیمات وجود ندارد و تصمیمات براساس منافع شخصی گروه حاکم گرفته می‌شود. اما در دولت اسلامی، فرد حاکم نه تنها در برابر قانون الهی پاسخگو می‌باشد، بلکه نسبت به نقد، نظارت، نصیحت و انتقاد افراد مسلمین نیز پاسخگو نیز خواهد بود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: کتاب ولایت فقیه)

رهبر معظم انقلاب با بیان این که «ولایت فقیه جزو مسلمات شیعه است»، می‌فرماید: «رهبری و ولایت فقیه طبق مکتب سیاسی اسلام، عبارت است از علم و تقوا و درایت، کسی که در این مسند حساس قرار گرفته است. اگر یکی از این ضابطه‌ها از او سلب شود، چنان چه مردم کشور هم طرفدارش باشند، از اهلیت ساقط خواهد شد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۱۴)

حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌یی با اشاره به این موضوع، تحقق ولایت را تحکیم پیوند و ارتباط مسؤولان کشور با مردم داشته و می‌فرماید:

«تحکیم پیوند، ارتباط و علقه‌ی مسؤولان کشور با مردم لازمه‌ی تحقق ولایت به معنای حقیقی کلمه می‌باشد و در سایه‌ی چنین پیوند و ارتباطی با مردم، تمام سلاح‌های دشمن در برابر نظام قرآنی و الهی جمهوری اسلامی، کند خواهد شد و مردم راهی را که آگاهانه انتخاب کردند با اداره و همت خود طی خواهند کرد و به فضل پروردگار

نظام مقدس جمهوری اسلامی این امکان را پیدا خواهد کرد که پایه‌های تمدن اسلامی را در کشور و در تمامی جوامع اسلامی مستحکم کند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۲/۶)

دولت اسلامی، بدون حکومت شکل نمی‌گیرد. این حقیقتی است که رویدادهای مهم تاریخی به ما می‌آموزد، اگر خواهان احیای تمدن اسلامی هستیم، بدون احیای فلسفه‌ی سیاسی در دیدگاه اسلام و اندیشه‌ی سیاسی اسلام و به وجود آوردن دولت و حکومتی که مورد تأیید فرهنگ اسلامی است، میسر نخواهد بود. قدرت است که در جهان معاصر، سازوکارها، ابزارها و زمینه‌های ایجاد و بسط و توسعه و تسدید تمدن اسلامی را فراهم می‌آورد. تشکیل چنین قدرتی در عصر حاضر که بتواند تکرر دولت‌ها را نیز برتابد و در عین حال بستر را برای حکومت جهانی اسلام آماده سازد، احیای پدیده‌ی «امت اسلامی» است.

بنابراین تشکیل حکومت اسلامی محوریت ولایت فقیه عادل، اولاً بسیاری از موانع و علل انحطاط جهان اسلام و تمدن اسلامی را از بین خواهد برد، ثانیاً موانع خارجی مانند هجوم سیاسی، فرهنگی و نظامی غرب، گرچه لطماتی به انقلاب ما می‌زند اما به هیچ وجه نظام اسلامی را از بین نمی‌برد.

رهبر معظم انقلاب یکی از اقدامات برنامه‌ریزی شده دشمن علیه ولایت فقیه را تهاجم و شیخون فرهنگی دانسته و می‌فرماید: «تهاجم و شیخون فرهنگی، یکی از اقدامات برنامه‌ریزی شده‌ی دشمن است که ایجاد اختلال درونی در داخل کشور را دنبال می‌کند. همچنین مورد سؤال قرار دادن و مخدوش کردن ضروریات جمهوری اسلامی ایران و از جمله مسأله‌ی ولایت فقیه از دیگر مواردی است که حجم انبوهی از تبلیغات رسانه‌های خبری بیگانه به آن اختصاص یافته است. دشمنان اسلام در حال حاضر انواع شگردهای تبلیغاتی را به کار گرفته‌اند تا به صورت مستقیم و غیر مستقیم افکار عمومی را در داخل کشور تحت تأثیر تبلیغات مسموم خود قرار دهند و مغالطه در مسأله‌ی ولایت فقیه نیز با همین هدف صورت می‌گیرد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۱۲/۸)

- گفتمان‌سازی؛ تولید فکر

اسلام در جامعه‌ی ظهور کرد که مردم آن از جهل و بی‌سوادی به شدت رنج می‌بردند. در سرزمین حجاز فقط ۱۷ نفر سواد خواندن و نوشتن داشتند. انقلاب فرهنگی صدر اسلام از شگفتی‌های تاریخ است. پیامبر اکرم (ص) در مدت سیزده سال در مکه به تعلیم و تربیت و نشر فرهنگ و عقاید اسلامی پرداخت و اصحاب خود را چنان آموزش داد که بعد از هجرت، در مدینه پایه‌گذاران اصلی حکومت اسلامی شدند؛ یعنی انقلاب سیاسی و اجتماعی

و نظام اسلامی بر پایه‌های همان انقلاب فرهنگی تأسیس شد. انقلاب فرهنگی صدر اسلام خاستگاه قرآنی داشت. فلسفه آفرینش؛ دانش‌گستری و هدف بعثت پیامبر(ص) نیز تعلیم و تربیت است. روایات نبوی ضمن مذمت جهل و نادانی؛ علم آموزی را امری واجب، حسنه، صدقه، تسبیح و جهاد دانسته و عالمان را ارجمندترین انسان‌ها معرفی می‌کند؛ ظهور اسلام با خواندن و نوشتن، سوگند قرآن کریم به قلم، و تکریم دانشمندان، نشانه‌ی اعجاز این دین مبین در اصلاح فرهنگ و پی‌ریزی تمدن است. روش قرآن کریم در امر علم، خردورزی، قرائت، کتابت، تمجید از علم و عالمان، از یک سو؛ و سیره پیامبر اسلام(ص) در وجوب همگانی تحصیل علم، توصیه به دانش آموزی در شرایط سنی مطلوب، ضرورت تحصیل علم در هر زمان و در هر شرایط، تحمل مشکلات علم‌آموزی، تشویق مسلمانان به حکمت اندوزی از هر کسی، لعن و نکوهش کتمان دانش، و آزادی اسیران جنگ بدر در قبال آموزش به ده نفر مسلمان از سوی دیگر؛ موجب نهضت علمی شکوهمندی در قلمرو اسلام گردید؛ علم آموزی در موضوعات مختلف تأسیس مدارس، و کتابخانه‌ها از برکات این نهضت علمی و جلوه‌هایی از تمدن اسلامی است که به تدریج جهانی شد. (خاری آرانی، علی اکبرزاده، ۱۳۹۴: ۷۶)

رهبر معظم انقلاب پیرامون طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای طراحی و ایجاد یک حکومت اسلامی جدید می‌فرمایند: «طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در واقع ارائه‌ی محصول انقلاب اسلامی و طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه‌ی عرصه‌ها بر مبنای فکر و اندیشه‌ی اسلام است. باید در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بر چهار عرصه‌ی «فکر»، «علم»، «معنویت» و «زندگی» تکیه شود که در این میان موضوع «فکر» - بنیانی‌تر از بقیه‌ی عرصه‌هاست. گفتمان‌سازی شرط اصلی تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. تحول باید بر اساس ایجاد یک الگوی مستقل ایرانی و برخاسته‌ی از معنویات و نیاز این کشور باشد؛ یعنی در واقع برخاسته‌ی از اسلام ناب، اسلام مورد اعتقاد ما باشد. ما بایستی یک چنین الگویی بوجود بیاوریم، تحول باید ناظر به این باشد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۲/۱۴)

عمق معارف دینی به مثابه ژرفای اقیانوسی است که سیر در آن، در همه‌ی زمانها ممکن بوده و مجاهدت متفکران آگاه اسلامی که لازمه‌ی تولید فکر متناسب با نیازهای هر زمان می‌باشد. باعث پویایی این مکتب و به تعبیر رهبر معظم انقلاب: «برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: «یکی تولید فکر»، «یکی پرورش انسان». فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. هر کسی که لب اقیانوس

رفت، نمی‌تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است. هرکس هم که نزدیک ساحل پیش رفت و یا چند متری در آب در یک نقطه‌یی فرو رفت، نمی‌تواند بگوید اقیانوس را شناخته است. تولید اندیشه راهنما و راهگشا برای بشریت، از این اقیانوس عظیم معارف است؛ در همه‌ی زمانها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن‌شناسان، حدیث‌شناسان، آشنایان با شیوه استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند، درخواست بشریت را بدانند، می‌توانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه‌ی راهنما و راهگشا برای بشریت... شرط دوم، پرورش انسان است، حال در آن جایی که فکر و انسان باید تولید بشود، ببینید نقش‌آفرینان چه کسانی هستند این نقش‌آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این یک بُعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی شدنی نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسان‌ها پرورش دهند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴)

- وجود رهبری

رهبری در حکومت اسلامی‌نابر تصریح متون دینی و روایی، یک مرتبه میانی در سلسله مراتب حاکمیت «الله» است، و لذا این جایگاه به هیچ وجه خارج از شرایطی که تحت عنوان ولایت امام معصوم و یا ولایت فقیه (در عصر غیبت) مطرح می‌شود، قابل احراز نیست. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «در نظام جمهوری اسلامی، رهبری فقط تابع این نیست که کسی او را به خاطر اینکه شرایط را از دست داده، عزل کند، اگر این شرایط در او وجود نداشته باشد، خودش به خودی خود عزل شده است». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰ /۷/۲۴)

معظم‌له در ادامه با بیان این که «رهبری، یک مدیریت کلان ارزشی است» می‌فرمایند: «ولایت فقیهی که امام بزرگوار ما معنا کردند یعنی یک مدیریت زنده و بالنده و پیشرونده، رهبری یک مدیریت است؛ به این معنا که از حرکت کلی نظام مراقبت کند. در واقع رهبری، یک مدیریت کلان ارزشی است. مسئولین در بخش‌های مختلف، مسئولیت‌های مشخصی دارند. در همه‌ی اینها رهبری نه می‌تواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند، نه قادر است دخالت کند. بله آنجایی که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج راه انقلاب، رهبری مسئولیت دارد». (همان)

ایشان در ادامه مسؤولیت رهبری را این گونه بیان می‌کنند: «حرکت کلان و کلی نظام اسلامی به سمت آن آرمان‌ها باید منحرف نشود؛ اگر منحرف شد، باید گریبان رهبری را گرفت، او را بایستی مسؤول دانست؛ او مسؤول است که نگذارد». (همان)

بر این اساس، این بیانات حاکی از آن است که رهبری در جامعه‌ی اسلامی به عنوان بالاترین جایگاه و موقعیت، مسؤولیت مدیریت و مراقبت از حرکت تمدنی در مقیاس کلان را بر عهده دارد. که از جمله‌ی آن، تبعیت مصادیق آرمان‌ها و اصول و خطوط قرمز به تناسب شرایط روز جامعه و گفتمان‌سازی در آن راستا است. تا مردم نیز اساس آن گفتمان، جهت‌گیری فعالیت‌هایشان را در مقیاس خرد بر مصادیق مورد نظر رهبری منطبق سازند. (سمسار و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۴-۳۵)

همچنین نقش رهبری در جریان تمدن‌سازی اسلامی به مثابه جریان پیشگامی است که خط حرکت را به تناسب شرایط جامعه مشخص می‌نماید تا مسیر جریان در مقیاس کلان مشخص شده و توده‌های مردم فعالیت‌های خود را در آن جهت تنظیم نمایند. به این ترتیب جریان تمدنی با بهره‌مندی از عنصر هدایت رهبری در مسیر اهداف و آرمان‌ها و در بستر اصیل خود جریان خواهد داشت.

- اعتلای اقتصادی

وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه‌ی مسلمانان همواره دغدغه‌ی اصلی متولیان و آحاد مردم بوده است. در واقع در صورتی که این مؤلفه با مشکل روبه‌رو شود، تأثیر فراوانی بر سایر جنبه‌های مادی و معنوی جامعه خواهد گذاشت. همان طور که می‌دانیم، تقریباً تمامی کشورهای مسلمان از عدم توسعه‌ی پایدار رنج می‌برند، گرچه طی سال‌های اخیر توانسته‌اند به جلو حرکت کنند، اما اقتصاد این کشورها همچنان دچار مشکلات عدیده‌ی است که مستلزم دگرگونی در اقتصاد رانتهی و مسایل مرتبط با آن است. (رضایی، ۱۳۸۶: ۹۳) استقلال اقتصادی و اعتلای آن همانند استقلال فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از عناصر محوری تمدن می‌باشد.

در این خصوص، نگاه مسلمانان باید به دو مطلب تصحیح شود: اولی دنیا و دومی کار. مسأله‌ی نوع نگرش به دنیا یکی از اساسی‌ترین مسایلی است که با زندگی مردم و بُعد اقتصادی جوامع ارتباط دارد. اگر این مسأله به طرز معقولی تبیین شود، در حس روابط اجتماعی مردم و ابعاد حیات مادی آنان مؤثر است و اگر نامعقولانه تفسیر گردد، سبب انحطاط فردی و اجتماعی خواهد شد؛ چنان که این موضوع در جهان اسلام رخ داد و ما زمانی شاهد

شکوفایی اسلام و مسلمانان بودیم و زمانی دیگر نظاره‌گر انحطاط آن، ریشه‌ی آن اعتلا و این انحطاط در همین مسأله نهفته است. (یوسفی غروی، ۱۳۹۳: ۲۲۹)

بر این اساس، مقام معظم رهبری نیز پیشرفت اقتصادی جوامع مسلمانان را از جمله اهداف اسلامی دانسته و پیشرفت اقتصادی را یکی از عوامل شکل‌گیری حکومت اسلام‌میر می‌شمارند. ایشان می‌فرمایند:

«گرچه اسلام نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلا‌ی اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، لکن بدون شک پیشرفت علم و اعتلا‌ی اقتصادی جزو هدف‌های اسلامی است؛ لذا شما ملاحظه می‌کنید که در تمدن اسلامی، اسلام در یکی از فقیرترین و عقب‌مانده‌ترین نقاط دنیا ظهور کرد؛ اما هنوز پنجاه سال از عمر آن نگذشته بود که بیش از پنجاه درصد از دنیای متمدن آن روز در زیر پرچم اسلام قرار گرفت و هنوز بیش از دو قرن از عمر این تمدن نگذشته بود که دنیای بزرگ اسلامی در آن روز، قله‌ی تمدن بشری از لحاظ علم و انواع دانش و پیشرفت‌های مدنی و اقتصادی شد؛ این نبود مگر به برکت تعالیم اسلام. اسلام به ما نمی‌گوید که ما معنویت را ملاحظه کنیم، از متن زندگی جامعه انسانی غافل بمانیم. ما باید برای استقلال امت اسلامی و برای عزت آن، همه‌ی تدابیر لازم را به کار ببریم، که یکی از مهم‌ترین آنها، مسأله‌ی اقتصاد است، بنابراین تلاش برای رشد و توسعه و اعتلا‌ی جنبه اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بلاشک جزو هدف‌های اسلامی است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۶/۲۵)

رهبر معظم انقلاب پیرامون برنامه‌های اسلام برای اعتلا‌ی اقتصاد اسلامی می‌فرمایند: «... بعضی‌ها می‌گفتند اسلام شیوه‌ی خاصی در باب اقتصاد ندارد. هر شیوه‌ی که بتواند آرمان‌های اسلامی مثلاً عدالت را تأمین کند، اسلامی است. ولی عقیده‌ی ما این بود که نه، اسلام خطوطی معین کرده و شیوه‌ی بنا نهادن و چارچوبی برای اقتصاد اسلامی درست کرده و این چارچوب باید تبعیت شود.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۱۱/۴)

به هر روی، باید توجه داشت که اسلام، برپایی «دولت اسلامی» را بر اساس «سعی» و «تقوا» می‌داند و همین شعار بود که اسلام در بدو ظهور، تمدن ایران و روم آن زمان را که در حالت فرسودگی و پوسیدگی بود، با یک تمدن نوپا ساقط کرد. برای احیای دوباره تمدن اسلامی باید «کار» و «وجدان کاری» تقویت شود؛ زیرا اگر کار نباشد، اقتصادی نیست تا بُعد مادی تمدن را تضمین کند و اگر وجدان کاری نباشد، هزینه‌ها افزایش می‌یابد؛ به کیفیت تولید پایین می‌آید؛ نیرنگ فزونی پیدا می‌کند؛ ریا فراوان می‌شود و اسراف و تبذیر جایگزین سادگی و بی‌آلایشی می‌شود.

مسلمانان باید با آگاهی از ارزش کار و اهمیت آن به تعهدورزی (یعنی پیگیری بی‌وقفه‌ی هدف) احساس مسؤولیت، اعتماد بر خود و توانایی‌هایشان و ارتقای کار، ابعاد اقتصادی تمدن اسلامی را احیا کرده و گسترش دهند. (کاشفی، ۱۳۸۴: ۲۰-۱۸)

در اندیشه‌ی امام خامنه‌یی، پیشرفت مادی در کنار پیشرفت معنوی از مبانی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. از این روست که برای حرکت فرهنگی در جامعه پیشرفت معنوی، لاجرم باید الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت شکل بگیرد و جامعه به سوی پیشرفت‌های مادی گام بردارد. (ایرانمنش، ۱۳۹۲: ۴۷)

رهبر معظم انقلاب پیرامون لزوم تقویت پایه‌های اقتصادی برای کسب استقلال سیاسی، می‌فرماید: «امروز مسأله‌ی اصلی کشور ما استقلال است برادران و خواهران عزیز! انقلاب برای ما استقلال سیاسی را به بار آورد، این جرأت را به این ملت داد که در مقابل نظام غیر عادلانه‌ی سلطه در دنیا بایستد. اما اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض اندام فرهنگی را در مقابل سلطه‌گران عالم حفظ کند، باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند؛ این، ریشه دواندن استقلال در کشور است؛ و این وابسته است به تولید، به کار، به شکوفایی کار، به نوآوری در بخش‌های مختلف کار، از مرکز تحقیقات و آزمایشگاه گرفته، تا توی محیط کارگاه‌ها، تا توی مزرعه، در همه جا بایستی این نوآوری وجود داشته باشد. آن وقت است که دشمنان خونخوار و هتاک استقلال ملت ایران با ناکامی دهان‌های خودشان را خواهند بست و کناری خواهند نشست». (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۲/۴)

مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد اسلامی می‌فرماید: «ما وقتی به صورت کلان به زمینه‌ی اقتصاد اسلامی نگاه می‌کنیم، دو تا پایه‌ی اصلی مشاهده می‌کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه‌ی اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند معتبر است. هر نسخه‌ی هر چند هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه، عبارت است از: «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه‌ی دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی» است. این دو تا باید تأمین بشود و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی‌توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

امام خامنه‌یی پیرامون آن چه که «حیات طیبه» به عنوان هدف نهایی انقلاب، مطرح می‌نمایند، می‌فرمایند: «حیات طیبه یعنی آن چیزی که قرآن می‌فرماید: «فلنحیینه حیاة طیبه»^۸ این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است. حیات طیبه، یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسان‌های مؤمن و خدانشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند، این حیات طیبه است ... اسلام می‌خواهد هم ماده و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد. این حیات طیبه‌ی اسلام است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۷/۲۲)

رهبر معظم انقلاب با معرفی «علم و فناوری» به عنوان یکی از «پایه‌های اقتدار اقتصادی یک ملت» می‌فرماید: «یک ملت با داشتن دانش پیشرفته، فناوری پیشرفته، هم به ثروت می‌رسد، هم به استغنائی سیاسی می‌رسد، هم آبرومند می‌شود، هم دستش قوی می‌شود. به خاطر کلیدی بودن مسأله‌ی پیشرفت علم و فناوری.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱/۱)

- توجه به مساجد

مسجد سنگر انقلاب و مهم‌ترین سنگر فعالیت‌های فرهنگی است. مسجد مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه‌ی مکتب اسلام است. خانه‌ی خدا و خانه‌ی مردم، محیط خلوت با خدا و جلوت حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه‌ی علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و سیاست. محیط دوگانه‌های به هم پیوسته‌یی که تصویر مسجد اسلامی و فاصله‌ی آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان را نمایان می‌سازد. مسجد بزرگترین و مهم‌ترین پایگاه اسلام است. (عزیزی، ۱۳۷۶: ۳۴) مسجد در شهرهای اسلامی، جایگاه محوری داشته و دارد و اصلی‌ترین مکان در حکومت اسلامی است. در صدر اسلام، تمامی اموری که در مسایل اجتماعی به جهان اسلام و مسلمین مربوط می‌شد، در مسجد صورت می‌گرفت. به طور کلی نقش مسجد در اسلام بسیار متمایز از معابد ادیان دیگر بوده و به عنوان پایگاهی که کارکردهای متنوعی داشته مورد توجه قرار گرفته است. (جوان آراسته، ۱۳۸۶: ۶۵)

^۸. نحل / ۹۷: «به طور مسلم، او را حیات پاکیزه می‌بخشیم».

برخی از کارکردهای مهم مسجد در طول تاریخ را می‌توان به شرح زیر برشمرد: ۱. کارکرد عبادی- معنوی. ۲. کارکرد اجتماعی- سیاسی. ۳. کارکرد تعلیمی و تربیتی. به غیر از کارکردهای ذکر شده، مساجد کارکردهای دیگری نیز به عهده داشته‌اند که پژوهشگران با بررسی‌های خود آنها را ذکر کرده‌اند. به عنوان مثال تعدادی از پژوهشگران با تحلیل مسجد پیامبر(ص) و بررسی ادبیات و پیشینه کارکردهای دیگری را برای مسجد برشمرده‌اند: پایگاه عبودیت، بندگی و وارستگی، انجام مراسم آیینی، انجام فعالیت‌های هنری، برگزاری جشن‌ها و مناسبت‌های عمومی، کانون‌های فرهنگی و اجتماعی، مشورت و قضاوت، دفاع و بسیج عمومی، ارائه‌ی خدمات عمومی. (مهدوی‌نژاد، مشایخی، ۱۳۸۹: ۸۷) همچنین مقام معظم رهبری در باره‌ی مسجد به عنوان «یک پایگاه دینی و معرفتی که می‌تواند سرآغاز حرکت بزرگ و برکات ماندگار باشد» معتقدند: «... مسجد نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی بزرگی شده است - مثل الجزایر و دیگر کشورهایی که سال‌ها در زیر سلطه نظامی استعمار فرانسوی‌ها بودند- از مساجد شروع شد، که به پیروزی هم رسید و کشورها استقلال پیدا کردند. انقلاب در این کشورها هم، آن روزی رو به شکست رفت و دوباره ملت‌ها استقلال خودشان را از دست دادند که رابطه‌ی خود را با مساجد و با دین و ایمان مساجد قطع کردند، ... به طور کلی مسجد به عنوان یک پایگاه دین، عبودیت و معرفت، می‌تواند برای جوامع اسلامی منشاء و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد. بنابراین مسجد، هم مدرسه است، هم دانشگاه، هم مرکز تفکر و تأمل، هم مرکز تصفیه روح، هم مرکز خلوص و مرکز اتصال بنده به خداست. ارتباط زمین و آسمان است. جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض و قدرت وصل می‌کند. انسان در مسجد خود را به خدا متصل می‌کند». (مقام معظم رهبری، ۱۹/۱۰/۱۳۷۵)

رهبر معظم انقلاب در پیامی به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، مسجد اسلامی را «مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه» دانسته و تأکید کردند: «مساجد باید در هر منطقه و محل، مامن و محل خیر و برکت و مدرّس تفسیر و حدیث و منبر معارف اجتماعی و سیاسی و کانون موعظه و اخلاق باشند». معظم‌له همچنین با بیان این که «حضور جوانان و روحیه‌های بسیجی باید مسجد را زنده و پرنشاط و آینده‌پو و لبریز از امید، سازد» تأکید نمودند: «میان مساجد و مراکز آموزشی در هر محل، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته‌ی برقرار گردد». (مقام معظم رهبری، ۲۰/۷/۱۳۸۹)

امام خامنه‌یی در خصوص «ایجاد جاذبه برای مسجد» می‌فرماید: «با امام جماعت مسجد، با عبادت‌کنندگان مسجد و با مؤمنینی که در مسجدند، برادرانه صمیمی باشید و آن را حفظ و بیشتر کنید. اول وقت، نماز را به جماعت، پشت سر پیش‌نماز هر مسجدی که در آن هستید، بخوانید. در مراسم دینی مسجد و تبلیغات آن شرکت کنید. در مراسم دعا و قرآن و مراسم مذهبی شرکت کنید. برای مسجد، جاذبه درست کنید». (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۸/۲۷)

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در این پژوهش بیان شد مقام معظم رهبری به تبیین عوامل مؤثر در زمینه چگونگی شکل‌گیری حکومت اسلامی پرداخته‌اند، که توجه به آنها موجبات زمینه‌های شکل‌گیری حکومت اسلامی را فراهم می‌نماید. از جمله مهم‌ترین راهکارهایی که معظم له برای شکل‌گیری حکومت اسلامی ناب مطرح کردند می‌توان به توحیدگرایی اشاره نمود. ایشان معتقدند توجه به خدا و توحیدگرایی، زمانی، اسلام را به تمدنی بزرگ در جهان تبدیل کرد. بر همین اساس، توحید محوری و گرایش به وحدت مبتنی بر توحید رکن و مبنا و به عنوان اساس و بنیان حکومت اسلامی‌ساخته شده است. عامل دیگر استقامت و مقاومت در برابر ابرقدرتها و دفاع از مستضعفین و مظلومین در سطح عالم است. به طوری که می‌توان با استقامت و مقاومت پرچم تمدن اسلامی را در سراسر عالم برافراشته نگاه داشت. مقام معظم رهبری همواره بر مقاومت و ایستادگی تأکید نموده است. ایشان ولایت محوری را به معنای یک نظام ارزشی می‌داند که همراه با محبت و عاطفه نسبت به آحاد مردم بوده و تنها، فرمانروایی و حکمرانی تلقی نمی‌شود، بلکه از دیدگاه معظم له استقرار ولایت موجب تحقق دیگر مؤلفه‌های حکومت اسلامی می‌شود. راهکار دیگر، وجود رهبری در حرکت تمدن اسلام است، چنانچه نقش رهبری در جریان تدوین ساختار اسلامی به مثابه جریان پیشگامی است که خط حرکت را به تناسب شرایط جامعه مشخص می‌نماید تا مسیر جریان در مقیاس کلان مشخص شده و توده‌های مردم فعالیت‌های خود را در آن جهت تنظیم نمایند. به این ترتیب جریان شکل‌گیری حکومت اسلامی با بهره‌مندی از عنصر هدایت رهبری در مسیر اهداف و آرمان‌ها و در بستر اصیل خود جریان خواهد داشت. از جمله راهکارهای دیگری که مقام معظم رهبری بیان نموده‌اند، می‌توان به اعتدالی اقتصادی، تولید فکر و توجه به مساجد اشاره نمود.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ایرانمنش، محمدهانی، گذاری بر مبانی نظری تفکر فرهنگی امام خامنه‌ای، تهران مرکز راهبردی جبهه فکری انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.
- رضایی، عبدالعلی، مهندسی تمدن اسلامی (الزامات و موانع)، چاپ اول، قم، انتشارات فجر ولایت، ۱۳۸۶.
- عزیزی، عباس، فضایل و آثار مسجد در آینه قرآن و حدیث، قم، انتشارات نبوغ، ۱۳۷۶.
- یوسفی غروی، محمدهادی، کلیات تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳.
- جوان آراسته، حسین، کارکرد مسجد و حکومت نبوی؛ حکومت اسلامی، ش ۴۳، بهار ۱۳۸۶.
- خاری آرانی، مجید، علی اکبرزاده، زهرا، «مبانی و مولفه‌های تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران، دانشگاه شاهد، ۱۳۹۴.
- سمسار، حامد و دیگران، «مدل سازی تحقق تمدن نوین اسلامی به کمک شبکه‌سازی اجتماعی»، جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، ش ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
- کاشفی، محمدرضا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴.
- مهدوی نژاد، محمدجواد و محمد مشایخی، بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی و اجتماعی آرمانشهر، شماره ۵، ۱۳۸۹.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵.
- خمینی، روح الله، ولایت فقیه، تهران، مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.